

محمد درخشش



پشتاد و سه بسوی

دوره

پشتاد و سه

www.KetabFarsi.com



جامعه معلمان ایران

هشتادسال به سوی

سراب

محمد — درخشش

ازانتشارات جامعه معلمان ایران

آذرماه ۱۳۶۲

فهرست مطالب

مفهوم

۱ - ۳

آغاز - سخنی کوتاه با اهل قلم و نسل جوان

قسمت اول

۷ - ۴

فقر مادی، محصول فقر فرهنگی و فکری است

فقر و محرومیت و آلام بشری مثبت الهی نیست بلکه نتیجه ظلم و بیدادگری و ستم و تبعیض است. اهریمنان زمینی است

۱۱ - ۷

تاریخ گذشته ادیان بیانگر آنستکه در خالت دین در حکومت جز عقب ماندگی و محرومیت و تضعیف و تنزل پایه های ایمانی مردم در جوامع بشری حاصل نگردند.

۲۴ - ۱۲

مادام که ملتی دانش و تواناییهای لازم و ضروری برای در دست گرفتن سرنوشت خویش بدست نیاورد از اسارت استبداد و استعمار آزاد نخواهد شد. در حال حاضر امپراطور حاکم بر کشورهای جهان سوم از جمله ایران جهل و عقب ماندگی و عدم بلوغ فکری است همان پادشاهان وفادار استعمار و استبداد برای اسارت ملت ها

۳۳ - ۲۵

عوام فریبی و خود فریبی و فریفته عوام شدن از امراض متداول و خطرناک جامعه ما و کشورهای عقب مانده جهان سوم است.

مفهوم واقعی ایمان و شجاعت و شهامت و

<u>صفحه</u>	<u>فهرست مطالب</u>
	<u>قسمت دوم</u>
۳۴ - ۴۹	چگونگی پیدایش هرم هیئت حاکمه جدید در کشور . <u>حامیان واقعی و پایه گزاران حکومت دیکتاتوری در ایران</u>
۵۰ - ۵۹	نیروی سرزنش و شت ساز نیروی ملت استبدادیه سیاستهای غرب و شرق انقلاب عظیم ملت ایران رژیم شاه را واژگون کرد نه سیاستهای غرب و شرق . در احساس ترین لحظات تاریخی سرنوشت ساز جماعتی در تلاش بیعت با " امام زمانه " بودند و جماعتی در حال فرار و انتقال ثروت غارت شده بخارج کشور .
۶۰ - ۸۱	<u>رسالت تاریخی روشنفکران مبارز در کشورهای جهان سوم .</u> ملت روشنفکران و ملت اکثریت محروم . علل اساسی شکست <u>روشنفکران و پیروزی خمینی در انقلاب</u>
۸۱ - ۹۲	هشتاد سال بدنبال سراب . چرا پس از قریب هشتاد سال تلاش و مبارزه اکنون نه به ترکستان بلکه بگورستان رسیده ایم . راه آینده ملت ایران و همه شیفتگان حاکمیت اراده ملت مبارزه با اصل مرض است نه <u>عوارض مرض</u>
۹۲ - ۱۰۰	اصول چهارگانه در استقرار حکومت اراده ملت <u>اصل اول</u> - مترقی ترین قوانین اساسی بدون پشتوانه ملتی آگاه و پیشرفته کوچکترین ارزش و اعتباری ندارد

اصل دوم - مقدم بر نیازمند بهای مادی و رفاهی انسانها

تحولات فکری و فرهنگی و اجتماعی و اخلاقی آنها است .

اصل سوم - دولت کارگزار يك ملت " بالغ " است و

فرمانروای يك ملت " نا بالغ "

اصل چهارم - آزادی - استقلال - عدالت - رفاه -

سعادت و بدون پشتوانه ملتی آگاه هیچوقت از شعار

به حقیقت نمی پیوندد .

حیاتی ترین رسالت متفکران و روشنفکران و جوانان و آزاد بخواهان ۱۰۰ - ۱۰۵

مبارز و ملی جامعه مادر تعیین سرنوشت آینده کشور ، پس از اینهمه

اشتباهات و تجربیات تلخ مبارزاتی گذشته

سرنوشتی رژیم خمینی

روی کار آوردن رژیم که به تا "مین" هدف نهائی " مؤمن باشد

رسالت يك حکومت ملتی به اراده " ملت

مهمترین ماده قانون اساسی آینده

درآمد نفت باید در خدمت بسیج فکری و علمی و فرهنگی و اجتماعی ۱۰۵ - ۱۰۷

و اخلاقی ملت ایران قرار گیرد زیرا مادام که ملت ایران جیره خسوار

عایدات نفت است هرگز روی آزادی و رفاه و سعادت رانخواهد دید .

این اولین بار نیست که قیام ملت ایران بندگان باکودتای ۱۰۸ - ۱۳۳

خمینی سرکوب میشود

نهضت ملی ایران نیز بدست رژیم و دولت کودتای ۲۸ مرداد سرکوب شد اما جنبش ضد "استبداد، - استعماری" متفکران و آزاد یخواهان مبارز، از انقلاب مشروطیت تاکنون هیچوقت از حرکت باز نایستاده است :

الف - دکتر مصدق و خمینی از دیدگاه ابرقده رتقا و ملت ایران

ب - نهضت ملی ایران و قرارداد استعماری نفت

ج - نامه آقای حسن صدر وکیل مدافع دکتر مصدق

بجامعه معلمان ایران

د - لایحه دولت کودتا برای ابرام حکم محکومیت آقای دکتر

مصدق -

ارائه دلائل قانونی و منطقی بر رد لایحه بمجلس برای اثبات

توطئه حکومت علیه آقای دکتر مصدق

ه - متن لایحه دولت و ماده واحده

لازمه "هدف نهائی" نخست ایجاد پایگاه فکری و اجتماعی، ۱۳۴ - ۱۴۷

ملی بمنظور تشکیل یک نیروی مستقل از غرب و شرق از بین اکثریت

قریب باتفاق مردم سرگردان و غیر متشکل و بی پناه است .

دوقطب متعصب سیاسی در کشور :

۱ - قطب چپ

۲ - قطب اسلامی

نیروی عظیم سرگردان و بی پناه و بدون پایگاه اجتماعی (قطب سوم)

مالکیت ! کدام مالکیت ؟

۱۴۸ - ۱۵۷

چند اصل مهم و اساسی در مبارزات اجتماعی

۱ - هیچ ملت، تاکنون از طریق ترور و آدمکشی به آزادی و استقلال نرسیده است .

۲ - تلاشهای فردی و فرقه ای و گروهی در راه رسیدن بقدرت يك معامله است نه يك مبارزه ملی و مردمی

۳ - خاتمه دادن به دروغگوئی و عوام فریبی - عربان

ساختن جراحات مزمن جامعه برای مبارزه با مرض

۴ - در موکراسی و مکاتب وارثی با قالبهای غربی و با شرقی بدر جامعه ما نمیخورد .

۵ - صداقت بجای ریا و حيله گری و دروغ پردازی

۶ - مردم ! کدام مردم ؟

قسمت سوم

۱۵۸ - ۱۶۰

انتقال رژیم در یکتانوری قاجار به پهلوی و پهلوی به خمینی

تغییر رژیم نیست بلکه ادامه يك در یکتانوری معتمد با نامهای مختلف است .

۱۶۰ - ۱۶۸

قیام ملت ایران برای رهائی از خفقان و فساد و بیدارگری

رژیم گذشته بود نه بخاطر نجات " اسلام "

<u>صفحه</u>	<u>فهرست مطالب</u>
	این تنها خمینی بود که پس از پیروزی انقلاب قیام ملت ایران را "اسلامی" نامگذاری کرد .
۱۶۸ - ۱۷۰	درسی سرنوشت ساز از تاریخ برای ملت ایران
۱۷۱ - ۱۸۱	تعمین سرنوشت آینده کشور با قاطبه ملت ایران در داخل کشور است . مادام که ملت ایران افغان سازماندهی و تشکیک بدست نیآورد است ایرانیان در تبعید رسالت سنگین تری در مبارزه علیه رژیم غاصب کشور بعهد دارند .
۱۸۲ - ۱۸۶	نقش متفکران و روشنفکران و دانشجویان و سایر مبارزان آزاد اندیش خارج کشور در سرنوشت آینده ایران
۱۸۷ - ۱۹۲	نقش سند پگاهها و اصناف در اتحاد و تمرکز همه نیروها بمنظور بسیج عمومی برای یک قیام یکپارچه علیه رژیم خمینی و ایجاد نیروی جانشین برای استقرار یک حکومت اراده ملت .
	تشکیل شورای نمایندگان ملت ایران در داخل و خارج کشور
۱۹۲ - ۱۹۶	یک راه حل دیگر برای تشکیک افراد و نیروها در خارج کشور
	طرح تشکیل شورای عالی رهبری ایرانیان مقیم خارج کشور
۱۹۷ - ۲۰۱	نقش جامعه معلمان ایران در سرنوشت آینده کشور

ا غ ز

سخنی کوتاه با اهل قلم و نسل جوان

تجزیه و تحلیل وقایع گذشته و بررسی علل و جهات شکست‌ها و محرومیت‌ها و پیروزی‌ها تنها بخاطر ثبت در تاریخ نیست بلکه بخاطر آنستکه اولاً در طرح برنامه‌های مملکتی و اجتماعی و جمعی و فردی از گذشته بعنوان يك "پند نامه" بهره‌گیریم ثانیاً مانند يك قاضی بیطرف و عادل با خود بخلوت نشینیم و در بسا ره اعمال گذشته خویش خاصه آنقسمت که در سرنوشت جامعه مؤثر بوده است "دخل و خرج" و قضاوت نمائیم و بر مبنای رأی "وجدان" با اشتباهات و گناهان خویش اعتراف کنیم و به تنبیه و تصحیح خود همت گماریم و کفاره اشتباهات و گناهان خویش را نیز لااقل از این پس بصورت خدمت در راه خلق و سعادت جامعه یا بهرنحوی دیگر که عقیده داریم بپردازیم. در گذشته نیز در بین ملت ما همین آئین و روش منتها برسم آنروز متداول بود. مثلاً "ثروت‌مندان کشور با حضور خود در مکه و یا یکی از زیارتگاه‌های دیگر با اعتراف بگناهان خویش از خداوند متعال طلب عفو و بخشش مینمودند و با وقف تمام و یا قسمتی از اموال خود با بنای مسجد و مدرسه و پتیم خانه یا بعهدہ گرفتن مخارج چند خانواده بی چیز و بی پناه یا سرپرستی گروهی صغیر و بی سرپرست و یا طرق دیگری کفاره گناهان خویش را می‌پرداختند. اما در جامعه غوطه‌ور در فساد امروز ما که وجدانها بوسیله هوی و هوس‌ها و جاه‌طلبیها و خود پروریها و آسایش‌طلبیها و شیادبها و ظلم و ستم‌ها به بند کشیده شده تا جائیکه آدم‌آدم پاره میکند و مذهب اسلام حربه کثیف‌ترین و جنایت‌آمیزترین اعمال وحشیانه قرار گرفته نه رسم و آئین قدیم باقی مانده است نه رسم دیگری جایگزین آن گردیده است.

بیسوادی ریشه دار اکثریت مردم و اختناق و سانسور شدید و نفوذ عمیق فساد در جامعه که آثار شوم رژیم های دیکتاتوری در کشور است و موجب کسستن روابط اجتماعی و جدائیها و بیخبری ها گردیده و مرکز بطلت ایران محال نداده است که از سوابق و حقایق تاریخی خویش آگاه گردد و آنچه تاکنون بنام تاریخ نوشته شده و در مدارس کشور تدريس میشود مجموعه ایست از تبلیغات و روغین در تجلیل از اقدامات دیکتاتور حاکم وقت و جعل وقایع تاریخی گذشته آنهم بمیل و اراده دیکتاتور .

ماهم اکنون شاهد آنیم که رژیم خمینی ناحه حد سوابق تاریخی مبارزات ملت ایران را واژگونه جلوه میدهد و در هتک حیثیت و آبرو و شرف رجال ملی ما میکوشد و خادمین مملکت را خائن و خائنین بمملکت را خادم بفرزند ان کشور در مدارس و مردم ساده دل و بیسواد معرفی میکند . ما شاهد آنیم که رژیم خمینی تاکنون چه نیروی عظیمی از کنجینه نیروی مبارز و حیاتی کشور را بجرم خیانت اعدام کرده است .

با این خلاء تاریخی، متفکران و نویسندگان و اهل قلم موظفند که صادفانه و شجاعانه و بیطرفانه با حفظ عفت و حرمت قلم باستناد مدارک و اسناد تاریخی و نظارت وجد انهای خویش حقایق و وقایع تاریخی گذشته و حال را برای ملت خویش روشن سازند . اهل قلم نباید در باره دشمنان خویش حتی ویرانگران مملکت هم یک قدم پایشان را از راه حقیقت و انصاف فراتر نهند .

فقدان تاریخ صحیح و اسناد و مدارک تاریخی تاکنون موجب تزلزل پایه های فرهنگی و ملی و اخلاقی و ایمانی و همچنین باعث جایگزین شدن سوء ظن و شک و تردید بجای اعتماد بیکدیگر گردیده است . بهمین دلیل است که شایعه و

تهمت و افترا بسرعت در جامعه ما نفوذ میکنند و مغرضین بی وجدان حکومتی و غیر حکومتی با جمل و شایعه سازی و وارونه جلوه دادن حقایق ایمان جامعه را متزلزل میسازند .

یکی از مصائب و مشکلات اجتماعی ما جدائی نسل جوان و بی تجربه از نسل سالمند و با تجربه است و این نیز خود یکی از میوه های زهر آگین دیکتاتوریست . شما در هیچیک از احزاب و سندیکاهای چپ و راست در جوامع بشری پیشرفته سراغ ندارید که نسل جوان متحرک و نیرومند از نسل سالمند متفکر و با تجربه جدا باشد . ملت مجموعه ایست از زنان و مردان پیر و جوان کشور و سعادت ملت جز با همکاری و همفکری این دو نسل حاصل نمیگردد .

نسل جوان کشور باید بنام سعادت ملت ایران این دره عمیق جدائیها را که یکی از نقشه های شوم دیکتاتوری در تفرقه اندازی و نفاق افکنی است پر کند و برای هر نوع پیشرفت و موفقیت خویش از گنجینه ذخائر فکری و تجربی ملت خویش بهره گیرد . شرافت و پاکدامنی و شجاعت و شهامت و فداکاری و ایثارگری و مبارزه در راه سعادت خلق هیچگونه بستگی بشرائط سنی ندارد اما دانش و بهنش و تجربیات اجتماعی واپسته بمدت زمان مطالعات و تجربیات عملی در زندگی است .

فقر مادی محصول فقر فرهنگی و فکری است

فقر و محرومیت و آلام بشری مشیت الهی نیست بلکه نتیجه ظلم و بیدادگری

و ستم و بی عدالتی اهریمنان زمینی است

" من انقلاب را طلوع قانون، رستاخیز حق و بیداری عدالت تعریف میکنم "
نقل از کتاب " تاریخ انقلاب کبیر فرانسه " نوشته ژول میشله

همه انقلاب‌ها و نهضت‌های اجتماعی تاریخ برای پاره کردن زنجیرهای بردگی و اسارت فکری و سنت‌های کهنه بوده است و همه جنایات تاریخ بدست حکومت‌ها و نظام‌های دیکتاتوری در دنیا بخاطر جلوگیری از آگاهی و رشد فکری بوقوع می‌پیوندد اما سیر تحولات تاریخی بشر نمایانگر آنست که علی‌رغم همه تلاش‌های زورمنندان و استعمارگران و جباران تاریخ برای حفظ عقب‌ماندگی و جهل - دنیا بسوی آگاهی و رشد فکری جوامع بشری به پیش می‌رود و امروز لااقل محرومین ساده دل جهان نیز بدین حقیقت تلخ پی برده اند که فقر و محرومیت و آلام بشری مشیت الهی نیست بلکه نتیجه ظلم و بیدادگری و ستم و بی عدالتی اهریمنان زمینی است .

ارشمیدس در حالی که از ضربه شمشیر سرباز رومی نقش بر زمین شده بود فریاد برآورد " آنها جسم مرا ربودند ولی روح مرا نمیتوانند اسیر کنند . " - کاردینال انکیزیسیون دل خوش کرده بود که با محکوم کردن گالیله و صدور حکم محکومیت وی زمین و منظومه شمسی و سایر اجرام متحرک سجاوی را از حرکت باز داشته است اما علی‌رغم حکم کتبی کاردینال - زمین و سایر سیارات هنوز میگردند و گالیله در نیای علم و سیاست بدلیل آنکه شهید راه آزادی و پیشرفت علم و دانش بود ابدی گشت . و گالیله شای جدیدی ظهور کردند و راه او را ادامه دادند و بدنامی برای کلیسا و کاردینال‌ها باقی ماند . حکومت کلیسا صدها سال بشر را در جمود فکری و

خرافات و عقب ماندگی بنام "خدا" و "مسیح" نکه داشت ولی همینکه با تلاش و
جانبازی های طولانی و مداوم متفکران مبارز و آگاه جوامع آن روز - زنجیرهای
اسارت کلیسا پاره شد بشر بچنان معجزاتی از رشد فکری و ترقیات مادی و معنوی
رسید که خود به حیرت و تعجب افتاد. دین مسیح نیز از اسارت کلیسا و سیاست
های روز آزاد گشت و بصورت ایمانی راستین در قلب ها منزل گزید و طرفداران خود
را بسوی کمال ارزش های معنوی و اخلاقی و انسانی هدایت کرد. اکنون پس از قریب
چهارصد سال که از محکومیت گالیله میگذرد سرانجام کلیسای کاتولیک بر اساس فرمان
مورخ ژوئن ۱۹۸۳ پاپ ژان پل دوم ضمن پذیرش فرضیه علم. گالیله رسماً اعلام نمود
که رای کلیسا علیه گالیله خطا بود و استلزام اروپا از اسارت کلیسا آزاد شد اما خود جایگزین
کلیسا برای استثمار و اسارت مردم محروم جهان گشت و با روشی وحشیانه تر با روی
کار آوردن و حمایت از دیکتاتورهای آلوده بفساد مالی و اخلاقی و عقب افتاده ترین
عوامل منحط ارتجاعی و تثبیت جهل و خرافات و فقر و محرومیت های کوناگون در کشور
های عقب مانده به تاراج ثروت و منابع طبیعی و دسترنج زحمتکشانشان آنها پرداخت.
بعوازاات تحولات دنیا در روش های استعماری نیز تحولی بوجود آمد و استعمار نو
با تاکتیک های جدید در نیایی که زور و ظلم و ستم و بیعدالتی حاکم بر سرنوشت
آنست بدست ابر قدرت ها و قدرت ها جایگزین استعمار قدیم گشت.

استعمار و استثمار نتیجه برتری فکری و علمی کشور دیگر است. دانش
بر جهل حکومت میکند و این قانون طبیعت است. بنابراین تنها راه نجات کشورهای
اسیر استبداد و استعمار (بجای شعارهای گوناگون بر علیه آنها و انتشار اعلامیه ها
و قطعنامه ها و نظایرات و راه پیمائی ها و اقداماتی حاصلی نظیر آن) مجهز
شدن بهمان حربه هائی است که استعمارگران بدان مجهزند یعنی بسیج مادی

و معنوی و اخلاقی نیروهای انسانی مملکت برای کسب توانائی های علمی و فکری و مهارت های لازم و ضروری و رسیدن ملت به بلوغ فکری در پرتو فروغ آزادی است .

در نیای امروز درجه خلاقیت و نیروی فکری و دانش و بینش مملکت ترقی ملت ها است و آنچه برای پی نیازی و برابری با قدرت های استعمارگر لازم می باشد سهم فکر بشر است و آنچه ملت ایران را میتواند از استعمارگران غرب و شرق و غرب زدگی و شرق زدگی نجات دهد پی نیازی مادی و معنوی و فکری از شرق و غرب است .

فقر انسان امروز فقر علمی و فکری و معنوی است و تقسیم جهان به دو اردوگاه فقیر و غنی و یا زحمتکشان و ثروتمندان و یا مستکبران و مستضعفان یکی از آن نوع تقسیم بندی های محیلا نه استعمار است . جهان ما به دو اردوگاه غنای علمی و فکری و فقر علمی و فکری تقسیم میشود و فقر مادی در جهان یکی از عوارض فقر علمی و فکری است و از عوارض مرض استانه خود مرض . بسیاری از علما ی اقتصاد به اثبات رسانید ، اند که در جامعه بشری فقر منشاء طبیعی ندارد بلکه ناشی از عقب ماندگی و نظام های اجتماعی غلط و مقررات حقوقی و سازمانی جامعه بشری است و بشر میتواند با کمک فکر و تحقیقات علمی و دور انداختن نظامها و رسوم کهنه -

جامعه ای مرفه که در آن فقر و بدبختی وجود نداشته باشد بوجود آورد . این افکار منشاء بسیاری از جنبش های اصلاح طلبانه و انقلابی در دو قرن اخیر در جوامع بشری بوده است . خاک و سرزمین بسیاری از کشورهای ملل فقیر در جهان انباشته از گنجینه ها و ثروت های بی حساب است اما مردم این کشورها که بر روی گنج های کرانبها و عظیم میهنشان بسر میبرند با فقر و عقب ماندگی و جهل و مرض دست بنریباندند . همین ثروت های طبیعی و باد آورده است که مطامع خارجی های

قد رتعد را بر میانگیزد و برای تاراج همین ثروت‌ها است که آنها فقر و عقب‌ماندگی و خرافات و رکود فکری را در اینگونه کشورها بدست دیکتاتورهای داخلی حفظ و تثبیت میکنند. بعنوان مثال ثروت‌های خدادادی مانند ذخائر نفت در کشورهای که فاقد فرهنگ پیشرفته و تفکر علمی اند بلای جان ملت‌ها است.

تاریخ گذشته ایران بیانگر آنست که در خالت دین در حکومت جز
عقب‌ماندگی و محرومیت و تضعیف و تزلزل پایه‌های ایمانی مردم

در جوامع بشری حاصل دیگری ندارد

سراسر تاریخ گذشته حاوی جنگها و مبارزات و قهرمانی‌های بشر برای رهایی از حکومت‌های استبدادی دینی است همان حکومت‌هایی که بنام خدا و دین بشریت را با سارت فکری و استعمار و بردگی و بندگی و محرومیت از همه مزایای مادی و معنوی زندگی کشانده بود و این جنگ لعنتی همچنان در جهان خاصه در کشورهای عقب افتاده ادامه دارد.

شواهد و اسناد تاریخی گواه بر آنستکه همواره استعمار از همین دروازه‌های دین بوسیله مپیون‌های مذهبی بمیان ملل محروم و عقب‌مانده نزول اجلال کرد باست و این دین هم حربهای در دست استعمارگران بوده است و هم حربه‌ای در دست زمامداران خودکامه و فاسدی که از جهل و بیخبری مردم سوء استفاده میکرد و میکنند.

(..... چون سفیر انگلیس حضور محمد شاه بار یافت

موضوع تقاضای برده فروشی را پیش کشید و گفت دولت‌های متحدین

این قانون جدید را پذیرفته اند . شاه پاسخ داد : الغا بوده
فروشی برخلاف اصول شریعت و احکام قرآن است . اگر در بین شما
زر خریدی کارزشتی است در بین ما مشروع است نماینده
انگلیس زرنگی کرد و نزد شش نفر از مجتهدان شهر رفت که هرکجا قول
و حدیثی باشد و بدرد کارش بخورد گرد آورد . او در مذاکره با
شاه یکی از همان احادیث مجعول را از قول پیغمبر نقل کرد
" هرکس آدم فروشی بکند بدترین آدمیان است " . محمد شاه هم
بدون درنگ فتوای یکی از عالمان دین را آورد که باید با کفار جنگ
کرد و آنان را به بندگی برد تا بآئین اسلام درآیند و بالاخره
پس از اینکه نماینده انگلیس هوضرشده و نماینده جدید بجایش آمد
دست خط شاه بدین مضمون صادر شد : " بگذارید دیگر از راه دریا
کنیز و غلام وارد نشود . بگذارید از راه خشکی بیاورند . " و بعد
شاه فرمود که این مرحمت فقط در حق فرانت میشود (نماینده
جدید انگلستان) چون من از او خشنود میباشم و باین مطالب رضایت
دارم) البته دولت انگلیس منظورش انسان دوستی نبود بلکه
منظورش تفتیش کشتیهای ایرانی بود که موفق شد .

پس از به توپ بستن مجلس شاه وعده داده بود در ظرف سه ماه مجلس
را مجدداً افتتاح نماید بالاخره پس از دو ماه ملاها و گروه دیگری
از سرجنابان را در تهران جمع نمودند و جلسه ای تشکیل دادند

و نتیجه آن شد که چلوار بزرگی را گرفتند و بر روی آن عریضه ای پشاه نوشتند و خواستار شدند که از مشروطه چشم پپوشند و بعد چلوار را بامضای مردم رسانیدند (ملاحظه میفرمائید که فراندوم در آن موقع هم مرسوم بوده است !) و اینک جواب شاه : جنابان مستطابان - حجج اسلام عزم ما همه وقت بتقویت اسلام و شریعت حضرت نبو صلعم بود و هست و حال که مکشوف داشتید تا سهین مجلس با قواعد اسلام منافیت و حکم بر حرمت نموده اید و علمای مالک هم بهمین نحو کتبا و تلگراف حکم بر حرمت نموده اند در اینصورت ما هم از این خیال باالمره منصرف و بگری عنوان همچون مجلس نخواهد شد . لیکن به توجیبات حضرت امام زمان عجل الله فرجه در نشر عدالت و بسط معدلت دستور العمل لازم داده و میبدهیم و اصلاح مفاسد بقانون دین مبین اسلام و حضرت خاتم النبیین صلعم اطلاع بدهید . محمد علیشاه قاجار .

اسوشیتد پرس - رویتر ۲۲ نوامبر ۱۹۲۵ - کمیته ۱۱ نفری سننا

بریاست فرانک جرج در باره عملیات جاسوسی در سنای امریکا در بروز فاش کرد که مقامات امریکائی دست کم هشت نقتنه را برای قتل فیدل کاسترو و یک نقتنه را برای قتل پاتریس لومومبا با وسائلی در گزارش گفته میشود که در نقتنه قتل کاسترو حتی موضوع بازگشت حضرت مسیح بکره زمین نیز مطرح شده بود . بکهار سنیا در شماره ۰ این برنامه تحقیق میگرد که از ترس کوباشیهای که کاسترو را ضد

مسیح، میدانستند استفاده کنند. یکی از مقامات سیا بنام "توماس باروت" بکمیته گفت نقشه این بود که در کوبا شایع کنند بازگشت مجدد مسیح قریب الوقوع است و مسیح با کاسترو مخالفت زیرا کاسترو مخالف مسیح است. قرار بود ظهور مجدد مسیح را نیز بکوبائی ها بگویند و در آنروز بخصوص یک زبرد ربائی امریکائی، سناره هائی، را با آسمان بفرستند و بکوبائیها وانمود شود که این مقدمه ظهور مجدد عیسی مسیح است.

شاه سابق هم بهمین طناب درین خود را آویخت. او بود که مرتباً خواب "امام زمان" را میدید و او بود که آخوند پروری، و خرافات را توسعه داد و مار را در آستین خود پروراند و وقتی این مار در ظل توجهات "ملوکانه" تبدیل به افسوس شد خود همس حکومت کرد و کشور و ملت ایران را یکپارچه با آتش کشید.

تنها خمینی یک نمونه و یک مدل از حکومت اسلامی نیست بلکه همه کشورهای اسلام، در جهان که بنام اسلام و قرآن بر مردم حکومت میکنند با ثروت سرشار و منابع طبیعی نفتی که اکثرشان در اختیار دارند ساکنین این کشورها را بصورت عقب مانده ترین و محروم ترین مردم جهان در آورده اند و امروز رفتار هیئت حاکمه این کشورهای اسلام، با مردمی که کوسفتند و راسبر و حشمانه ترین نوع دیکتاتوری ها بنام حکومت الهی و حکومت قرآن میباشند مایه ننگ بشری است. اینهاست نمونه هائی معین و مشخص از حکومت های اسلامی موجود در جهان. البته این گناه اسلام نیست که این ملتها بچنین روز سیاه افتادند زیرا وقتی پایگاه ابدانی مردم را سیاستهای روز و زد و بند های سیاسی آلوده میسازند نتیجه آن میشود که آنچه

د بکتانورها با زور و با گلوله های تفنگ و مسلسل و زجر و شکنجه و زندان مردم تحصیل میکنند این اسلامی ها با استفاده از همه آن حربه ها منتها بنام اسلام و قرآن بخورد مردم میدهند . در آن هنگام که کلیسا نیز بنام دین مسیح در غرب حکومت میکرد ملت های تحت سلطه حکومت کلیسا سرنوشتی بدتر از سرنوشت ملت ما و سایر ملل زیر سلطه حکومت های اسلامی امروز داشتند . پیروان حقیقی و واقعی و با ایمان اسلام هیچوقت اسلام و کتاب آسمانی قرآن را وسیله ای برای بدست گرفتن قدرت و حکومت بکار نمیگیرند و مذهب را که پایه های ایمانی و اخلاقی بشر است هیچوقت با کتافات و بند و بست های سیاسی روز آورده نمیسازند . يك مقایسه سطحی به درجه ایمان مردم ایران با اسلام قبل از روی کار آمدن رژیم خمینی، با دوران حکومت او و ضربه شدیدی که حکومت اسلامی خمینی با اسلام در داخل کشور و در افکار عمومی جهان زده است کافی است که برای حفظ حیثیت و آبروی اسلام از این پرسش به احدی اجازه ندهیم که اسلام و قرآن را وسیله رسیدن به قدرت و حکومت قرار دهد . در حالیکه بسیاری از زمامداران کشورهای جهان صمیمانه و صادقانه از پرسشش الهی و حفظ شعائر دینی و انجام کلیه مراسم مذهبی غافل نیستند، هیچوقت مذهب خویش را با بند و بست های سیاسی آورده نمیسازند و این تنها رسم ما بدبخت های فلک زده است که برای رسیدن به قدرت همه چیز را فدا میکنیم و حتی مقدمات مذهبی مردم را هم به بازیچه میکنیم .

مادام که طتی و انشرو توانائی های لازم و ضروری، برای دست گرفتن،
سرنوشت خویش بدست نیاورد از اسارت استبداد و استعمار آزاد
نخواهد شد. در حال حاضر امپراطور حاکم بر کشورهای، جهستان،
سوم از جطه ایران، جهل و عقب ماندگی و عدم بلوغ فکری است همان بار
وفادار استعمار و استبداد برای اسارت ملت ها

اکنون که قریب هشتاد سال از عمر انقلاب مشروطیت ایران میگذرد ملت ما همچنان در اختناق و وحشت بسر میبرد و هفتاد درصد مردم بیسوادند. انقلاب مشروطیتی که هنوز جوانه نرزه بود خشک شد و فقط سنگ قبری از آن بهادگار ماند و قانون اساسیش بصورت پیراهن عثمانی مورد سوء استفاد و رژیمهای دیکتاتوری و آزادی کشی ماند و بجای آنکه هر سال برای جنازه ای که استخوان هایش هم پوسیده است مجلس عزا برقرار کنند جشن تولدش را بگیرفتند. در کشوری مانند ایران است که بنام انقلاب و آزادی در بو اختناق و ارتجاع بصورت رژیم کنونی همه آثار و علائم پرورش فکری ملت ایران را نابود میکند و جهل مرکب را حاکم بر سرنوشت ملت میسازد و علم و دانش و فرهنگ را در گورستان های بربریت و عصر حجر دفن میکند و هزاران نفر از طرفداران آزادی را قتل عام میسازد. آری اینگونه جنایات را فقط میتوان در تاریکی جهل و بیخبری و فریب و عوام فریبی و فساد و بیسوادی باتکا، تفنگ و مسلسل مرتکب شد. در کشوری مانند ایران است که بت های ظالم و دیکتاتورهای خونخوار میرویند و رشد میکنند تا طتی را از استقلال روحی و انکا به نفس و نیروی عقل و اندیشه بازدارند و مردم کشور شروتغدی مانند ایران را بیجان نکبت و ادبار و قحطی و کرسنگی در چار سازند که برای قوت لایموت خود با استعمار پناه برد.

تعلق و چاپلوسی و دست‌بوسی که علل انحطاط و سقوط و فساد در جامعه است
زمانی بصورت "آریا مہری" آن جلوه‌گر میشود و هر حرکتی از شکم "ضویسات
طلوکانہ" بیرون میآید و زمانی بصورت اسلامی از شکم "ولایت فقیہ" و این یکی از
علائم عقب‌ماندگی و فساد است که زائیدہ، اختناق و استبداد است. در جنگ
جهانی دوم آن بیست سال ترقی و پیشرفت که در سایه دیکتاتوری سیاه رضا شاه
بخورد مان داده بودند در ظرف بیست و چهار ساعت فرو ریخت و آن ارتش "نیرومند"
با آنهمه مخارج سرسام آور بدون خالی کردن یک گلوله بسوی دشمن اشغالگر تسلیم
و ازهم پاشیده شد. سپهر پس از سی و هفت سال راه پیمائی بسوی ترقی و پیش
رفت که به نزد یک "روزه تمدن بزرگ" رسیده بودیم بنای پوشالی پایه بر آب
ملکت که مانند روسیہان زمان بزکش کرده بودند بیک بار فرو ریخت و اکنون پنج
سال است که به دورہ "جدید" اسلامی "وارد شده ایم و خمینی با برگشت به
عهد بربریت دنیا را برای ظهور امام زمان آماده میسازد و و تا صلت
ایران برشد فرهنگی لازم برای بدست گرفتن سرنوشت خویش نرسیده باشد و پس
لااقل در مسیر شاه راه اصلی زندگی قدم ننهد باشد و همچنان به بیراهه
کشیده شود این دورہ تسلیم نیز همچنان ادامه خواهد یافت .

" باغ وحش آدمها - آدم‌ها هم بمانند بعضی از

حیوانات تعلیم یافته درآمده اند مانند حیوانات سیرک که با
علائم مشخصه شلاق رام کنند از روی ترس یا بامید پس او
حرکاتی مطابق میل رام کننده میکنند انسان‌ها را هم بهمان
صورت رام کرده اند. آنها بمحض دیدن یک آدم مهم دست

میزنند و یا آنها را بدون چون و چرا برای تظاهراتی که در صحنه های نمایش دولتی لازم دارند میبرند . دیگر برای این نوع آدمهای رام شده فکر کردن و تصمیم گرفتن لازم نیست زیرا اینگونه کارها جزو عادات و وظایف آنها درآمده است برای آنها فرق نمیکند که چرا دست میزنند یا فریاد میزنند . . آنها بمعنای کلماتی که ادا میکنند کاری ندارند مگر نه اینستکه غذای حیوانات سیرک و سرنوشت آنها در دست چوب بدستها و شلاق بدستهای رام کننده است؟ خوب غذای این آدمها و سرنوشت آنها هم بدست این صاحبان قدرت و ثروت است . آری درد بار ما این موجوداتی که " اشرف مخلوقات " می نامند در سطح حیوانات سیرک تنزل یافته اند . در این دیار آدم مانند خر بارکش وسیله سواری است و هیچکس احساسی با او ندارد در این دیار بکر حکومت نیازی به سانسور کردن سخنان افراد ندارد زیرا آنها از ترس - خودشان خودشان را سانسور میکنند در هر میتینگی آدمها را کامیون کامیون و اتوبوس اتوبوس مانند بار آجر در محل تظاهرات خالی کنند تا کی میتوان نام این جان گسدن در ریجی را زندگی گذاشت و باین حقارتها و پستیها تن در داد و هر روز بیک ساز هیئت حاکمه رقصید ؟ اگر نام این که ما داریم زندگی است پس مرگ بر این زندگی و زنده باد مرگ

آیا انسانی را از انسانیت و تمام صفات و سجایای اخلاقی

خلع سلاح کردن شکنجه است یا شکنجه های بدنی ؟
مقایسه کنید انسانی که در اثر شکنجه يك عضو بدنش را از دست
میدهد بیشتر زیان می بیند و برای جامعه زیان آورتر است یا
کسی که انسانیت و غرور و شخصیت را از او بگیرند ؟
بزرگترین جنایتکاران اجتماع آنهایی هستند که مردم ایران را
از اسب افتخار و غرور و شخصیت و شرافت انسانی بزیور کشیده اند
و در ریوزگی و تعلق و چاپلوسی را در این کشور رواج داده اند و
ملتی را از حرکت و پیشرفت و تمدن واقعی باز داشته اند
. بزرگترین مشکل معلم از دست دادن شخصیت و سجایای
اخلاقی است و این بزرگترین فاجعه برای ملت ایران و نسل جوان
است معلمان و مربیان کشور با ارزش ترین متاع خود را
از دست میدهند آنها را مانند بردگان و اسیران مثل پاره های
آجر به کامیونها و اتوبوس ها بار میکنند و در هر کجا که برای
تبلیغات لازم داشته باشند میبرند آنها به غرور و شخصیت و
شرافت و حیثیت انسانی معلم حطه کرده اند و میخواهند او را
از انسانیت خلع سلاح کنند او که وظیفه دارد دیگران
را برای سعادت کشورش هدایت کند او که رسالت دارد غرور و
شخصیت نسل جوان را تقویت کند خود از همه اینها خلع سلاح
شده است و اینست متاعی که از او گرفته اند و اینست بزرگترین
شکنجه های روحی قرن ما و این پرارزش ترین متاع

انسان است که اگر نداشته باشد هیچ ندارد مقدس‌ترین
وظیفه شخصی و ملی و جهانی برای آنها که هنوز از انسانیت خلع
سلاح نشده اند آنستکه نگذارند غرور و شخصیت انسانی - مردانگی
شرافت خصائص سنتی و اصیل ایرانی وطن ما بعیرد . اگر چنین فاجعه
ای رخ دهد همه چیز میبیرد و ما بصورت يك ملت منقرض در می‌آئیم . . .
. . . نقل از کتاب باروت انقلاب - *

خمینی نیز با تلاش شبانه روزی خود در مسیر راهی است که " باغ وحش انسانها " را
با قتل و جنایت و ترور و وحشت به پهنای خاک کشور ایران توسعه دهد .
" مکر آقای خمینی خود از طرفداران قانون اساسی نبود و برای
حفظ آن بشاه نامه نوشت ؟ مگر او نبود که ب مردم وعده آزادی و
رفاه و سعادت میداد و قبل از رسیدن بحکومت مطلقه وعده
تقسیم عایدات نفت را ب مردم داده بود ؟ مگر او در روز روشن
و در حضور خبرنگاران خارجی دنیا اعلام نکرد که جزئیات ریس در
قم و اعتکاف در کنار قبر حضرت معصومه قصد دیگری ندارد ؟
پس چرا از جماران سر در آورد و چرا این ولایت فقیه را در زیر عبای

- * " باروت انقلاب " در بهمن ماه سال ۱۳۵۶ بصورت زیراکس و بطور
مخفی انتشار یافت و پس از پیروزی انقلاب بصورت کتابی، در ۲۹۲ صفحه
بدون کوچکترین تغییر در متن آن چاپ رسید . (از همین نویسندگانه)

خود مخفی کرده بود تا پس از رسیدن بقدرت مانند ازب هائی
بجان مردم بیاندازد ؟ مگر این حاکمان شرع و دارستان ها
و غیره و غیره پیش نمازان مساجد و بلند گوین و پیشوازکنند گان
قران " آریا مهر " و حقوق بگیران اوقاف و ساواک در رژیم گذشته
نبودند ؟ مگر انواع و اقسام بهشتی ها مشاوران مذهبی وزیرای
فرهنگ و حقوق بگیران رژیم شاه نبودند ؟ مگر
چرا کار فساد بجائی میرسد که عادت طبیعی یک جامعه میشود
و همه بیکدیگر دروغ میگویند ؟ آیا از جامعه ای که تار و پودش
برد روغ و فریب و فساد استوار است و از صدر تا ذیل آیت الله
و شیخ و با عمامه و بدون عمامه - روشنفکر و تحصیلکرده - با سواد
و بیسواد دروغ میگویند چه معجزه ای انتظار دارید ؟
پنجاه سال فریاد میزنیم زنده باد فلانی مرده باد فلانی
و پنجاه سال دیگر فریاد میزنیم مرده باد همان کسی که پنجاه
سال فریاد زدیم زنده باد و زنده باد همان کسی که پنجاه
سال فریاد زدیم مرده باد و وقتیکه به این سالهای گذشته می
نگریم می بینیم میخکوب جای اول ابستاده ایم و اکنون هم ۱۴۰۰
سال به عقب برمیگردیم. در این پنجاه سال اخیر که بشر بجنان
تحولاتی شگرف دست یافته است کشور ما هنوز گرفتار چسار در
زنهاست که آیا بسر کنند و یا از سر بردارند ؟ بزور سرنیزه
رضا شاه حجاب را برداشتند و بزور مسلسل رژیم خمینی حجاب

را برگردانند . پنجاه سال است که ما را بخاطر يك تکه پسار چه سرکرد ان نگاه داشته است . در همان سال ۱۵ و ماهها و هفته ها و روزها و ساعاتی که وقت ملت بخاطر پوشیدن یا نپوشیدن حجاب تلف میشود جوانان کشورهای پیشرفته در مراکز علمی و تحقیقاتی شبانه روز به تحصیل و فراگیری علوم و فنون مشغولند تا با برتری علمی و فکری خود کشوری را که بچنگ حجاب سرگرم است بیشتتر بچاپند و انرا بیشتر در محاق استعمار فرو برند نقل از کتاب: - طاعون جانشین طاغوت - شهریور ماه ۱۳۶۰ پاریس - از انتشارات جامعه معلمان ایران "

در ما عقب ماندگی و جهل و عدم بلوغ فکری و فساد است همان در بیدرمانی که در امان استبداد و استعمار پرورشی باید . که هیئت حاکمه و همچنین عوام فریبان جامعه ما این ریشه های اصلی همه محرومیت ها و آلام ملت را همیشه مخفی میکنند . آنها از يك طرف بدین حقیقت تلخ استناد میکنند که شرکت سهامی استعمار و استبداد سالهای منمادی است که مردم ایران را در ربیموادی و جهل و عقب ماندگی و خرافات و رکود فکری غوطه ور ساخته است از طرف دیگر برای ملتی که بقول آنها هیچگاه امکان پرورش فکری و آزاد اندیشی را نداشته است معجزاتی از درجه ادراك و تفکرات عالی سیاسی و اجتماعی بر میسرند که هنوز هیچیک از ملل پیشرفته جهان بدان دست نیافته اند . آنها به پیروی از مکتب عوام فریبی و برای سود جوئی از ساده دلی مردم به طفل مکتب اندیخته عالی ترین مدارك و مدارج تحصیلی اعطاء میکنند به عبارت دیگر همه از آخوند

گرفته تا روشن فکر با سبک و روش مخصوص بخود در راه فریفتن عوامند و هرقت هم کسی یا جماعتی یا گروهی نخواهد پرده از علل و جهات واقعی عقب ماندگی و مصائب ملت بردارد فوراً بهره مندان از جهل و بیخبری مردم در همان مسیر عوام فریبی آنها را بیاد فحش و ناسزا میگیرند که چرا بملت ایران اهانت میکنند و این یکی از بزرگترین خیانتها بملتی است که باید هرچه زود تر منشاء و منبع همه آلام و محرومیت های خویش را بخشکاند . یعنی وقتی که علت العلل وجود استعمار و استبداد را بیان میکنی عوام فریبان فوراً در پشت شعار های تو خالی و عوام فریبانه موضع میگیرند و برای کتمان حقایق سفسطه میکنند زیرا خوب میدانند که با معالجه اصل مرض دیگر احدی نمیتواند برگردد مردم سوار شود .

آیا ظهور و پیدایش و رشد رژیم هائی در محدوده کشور ما مانند رژیم خمینی و حضور استعمار شوم در سرزمین ما خود دلیل بر عقب ماندگی جامعه ما نیست ؟ پس چرا این علف های هرزه در هند و ژاپون نمی رویند و رشد نمیکنند ؟

آیا جامعه ای که در آن جماعتی تا آن اندازه از تشخیص منافعشان عاجزند که با دست خود گور خود و هموطنانشان را میکنند و منافع خود و ملت خویش را بدون هیچ سوء نیتی زیر پا میگذارند عقب مانده نیست ؟

آیا اینها که با فریاد های مرگ بر استعمار با اصطلاح خود با آن مبارزه میکنند اما این ارتجاع سیاه عملاً ثروت و نتیجه تمام کار و کوشش آنها را در دستی تقدیم استعمار مینمایند و ملتی را بصورت عطفه های استعمار در آورده است از رشد فکری و فرهنگی و قافله تمدن جهانی عقب نمانده اند ؟ آیا جامعه ای که تحصیل کردگانش برای دستمالی قهصره را با تنش میکشند و در حفظ منافع شغلی و مالی خود حافظ جهل و عقب ماندگی توده های محروم جامعه میگردند عقب مانده نیست و به عمیق ترین فساد ها آلوده

نمیباشند ؟ - اعلام این واقعیت در ناک که مثلا نژاد پرستان سفید پوست و اشغال نژاد آفریقای جنوبی از رشد فکری و بالا رفتن سطح دانش و بنشرو فرهنگ سیاه پوستان که صاحبان حقیقی آن آب و خاکند جلوگیری میکنند اهانت به مردم در قبال اسارت آن منطقه نیست بلکه این برده برداشتن از جنابتی است که سفید پوستان اشغالگران سرزمین مرتکب میشوند . همان جنابتی که در کشور ما هیئت های حاکمه و همکاران کثیرشان که سجل ایرانی دارند نیز مرتکب میشوند . آری این بیماری خستناک جامعه ما و سایر کشورهای جهان سوم که فقر و ظلم و ستم و دیکتاتوری را برای آنها بارمغان میآورد جهل است و این امپراطوری جهل است که لااقل از تاریخ انقلاب مشروطیت ایران تاکنون بر کشور ما حکومت میکند . دشمن واقعی ملت ما نه استعمار است نه دیکتاتوری - بلکه اینها فرزندان ناخلف امپراطوری جهل و عقب ماندگی اند که در محیطی مساعد میرویند . مگر نه اینست که خمینی را همین امپراطور جهل بر تخت سلطنت نشاند ؟ این ولایت فقیه نسبت که ملت ایران را رسماً و قانوناً یک ملت صغیر معرفی کرده است بلکه ملت ایران سالهای سالست که بصورت یک ملت صغیر زندگی میکند . مگر مردم ایران در دوران رژیم پهلوی چه دخالتی در سرنوشت خویش داشتند ؟ (کوه نظران منفعت جو هنوز هم خیال میکنند که مفهوم پیشرفت تعداد زیاد اتومبیل و تیرکهای چراغ برق و غیره و غیره ویا تقلید از مظاهر زشت غربیان است که فساد و فحشا را بکشور ما بارمغان آورده است . مفهوم اصلی پیشرفت آن تحولات فکری و فرهنگی و دانش و بینش و آزاد اندیشی است که ملتی خلاق و مبتکر و سازنده بوجود آورد . ملتی که در پناه آزادی - حاکمیت قانون را در امان خویش پرورش دهد و این همانست که رژیم

گذشته از بوجود آمدنش با تمام قوا جلوگیری کرد .

در جامعه ای که قانون اساسی ملت را صغیر و نابالغ بداند و جماعتی تحصیل

کرده و بیسواد مشترکا " بر عدم بلوغ فکری خود صحه بگذارند آیا چنین جامعه ای
بعضی عدم بلوغ فکری و عقب ماندگی و فساد دچار نیست ؟ آری جامعه ای که به
هیئت حاکمه اثر امکان میدهد که بنام خدا و بنام مذهب اسلام به بزرگترین قتل
عامها دستزند و کشوری را ویران و غارت کند فضای آن را جهل و عقب ماندگی
فرا نگرفته است ؟ آری این زمین شوره زار است که محصولش خار است . این گناه
خار نیست که در محدوده سرزمین ایران مبرود و این خمینی نبود که شوره زار را
بوجود آورد بلکه او از شوره زار موجود استفاد کرده .

این تنها گناه استبداد و استعمار نیست که ملتی را از زندگی و هستی
ساقط کرده است بلکه استبداد و استعمار و خمینی و خمینی ها محصول زمین شور هزارند و
تازمین را آباد نکیم همین آثر است و همین کاسه خمینی مبرود خمینی دیگری جایگزین او
میشود . آنچه برای ملت و کشور ما جنبه حیاتی دارد آگاهی عمومی و دانش و بینش و
بلوغ فکری است تا جائیکه ملت قادر شود بر رهبری خود تکیه کند نه بفرمانروایی مطلق
بتنهائی که جز عقب ماندگی و ذلت و بدبختی و زجر و شکنجه و در بدری برای ملت
حاصلی ببار نیآورده اند . عمق فاجعه در کشور ما وجود جامعه ایست که رژیمهای
مانند رژیم خمینی را تحمل میکند و حتی آدمهای بیگناه که استبداد و استعمار
طولانی آنها را از رشد فکری باز داشته است و بدون اطلاع از عوارض نکبت بار چنین
رژیم هائی با پای خود بسوی دامنهائی که برایشان گسترده اند میروند و خود عملا
میزبان استعمار و استبدادند . بنا براین آنها که میخواهند با شعارهای مرک بر این